



هم کلاسی  
[Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir)

## پاسخ تشریحی درس خلاقیت تصویری و تجسمی کنکور هنر 98

### فرشید حیدری رتبه 280 منطقه 1 دانشجوی نقاشی هنرهای زیبا تهران

**181** (شناخت ابزار و تکنیک): تصویر داده شده از طراحی‌های منوچهر معتبر، طراح معاصر ایرانی می‌باشد. منبع تصویر کتاب‌های درسی هنرستان نیست. پس لازمه‌ی پاسخ‌دهی به این سوال نه از برکردن تصاویر کتاب‌ها، بلکه شناخت درست ابزارها است. برای شناخت درست ابزارها کفایت یک‌بار با ابزارهای مختلف روی کاغذهای مختلف فقط یک خط بکشیم. با این کار متوجه تأثیر و کیفیت هر کدام خواهیم شد. ابزارهای زغالی (زغال‌های نرم و فشرده، زغال مویی یا چوب، مدادهای زغالی و گچی، پاستل‌های گچی) به دلیل گچی بودن، بافت کاغذ و بافت سطح زیر کاغذ را به خوبی نقش می‌کنند و از راه این بافت می‌توان تشخیصشان داد. زغال ابزار مناسبی برای ترسیم سطح و خط هست. در حالی که ماژیک برای سطوح یکدست مناسب نیست و مرکب بافت کاغذ یا سطح زیر کاغذ را مشخص نمی‌سازد. از این راه می‌توان به «گزینه‌ی ۲» رسید. البته پاسخ صحیح‌تر زغال و مداد گچی یا زغالی می‌باشد.

**182** (سبک‌شناسی): از دو طریق می‌توان به پاسخ صحیح رسید. تصویر داده شده اثر پیتر فیلیپس، هنرمند پاپ آرت انگلیسی است. با شناخت پیتر فیلیپس و آثارش به سادگی می‌توان به پاسخ صحیح رسید؛ دایره‌المعارف هنر منبعی است که برای شناخت هنرمندان مختلف می‌توان مورد استفاده قرار داد. اما باید توجه داشت تنها شناخت تئوری هنرمندان کافی نیست و لازم است کنار این شناخت تئوریک، آثار هر هنرمند را نیز شناخت. راه دیگر برای پاسخ‌دهی به این سوال، حذف گزینه می‌باشد. کینتیک آرت مربوط به آثاری می‌شود که حرکت مکانیکی و فیزیکی اثر مورد توجه است، مانند «Standing Wave» اثر نائوم گابو که متشکل از یک میله و آرمیچری است که این میله را همواره در حال حرکت نگه می‌دارد. کیچ آرت نیز به آثار هنری اطلاق می‌شود که در مقیاس انبوه تولید می‌شوند و تقلید ناموفقی از استانداردهای زیباشناسی فرهنگ نخبه هستند. آپ آرت نیز جنبشی است که خطای باصره مورد توجه است. بدین ترتیب با حذف گزینه‌ها می‌توان به «گزینه‌ی 1» یعنی پاپ آرت رسید.

**183** (شناخت آثار و هنرمندان): برای پاسخ به این سوال نیازی به شناخت یاکوب یوردانس نیست. در واقع باید هنرمندان مطرح شده در گزینه‌ها را شناخت و ویژگی آثار آن‌ها را با تصویر داده شده مقایسه و تطبیق کرد. مازاتچو از هنرمندان آغازگر رنسانس می‌باشد. مازاتچو اولین هنرمندی است که منبع نور مشخصی در آثارش استفاده کرد. اما این استفاده از نور کاملاً ابتدایی و پرمیثیو بود و آثارش با ترکیب‌بندی‌های حساب‌شده و هندسی القاگر نظامی ریاضی‌وار بود. رافائل هنرمند دوران اوج رنسانس می‌باشد. فیگورهای او خشک و بی‌روح هستند و این خشکی را رنگ‌آمیزی لطیف و رنگ‌پردازی به شیوه‌ی اسفوماتو جبران می‌کند. ترکیب‌بندی‌های رافائل هندسی و غالباً متقارن (از نوع قرینه در بی‌قرینگی) هستند. میکل‌آنژ دیگر هنرمند شاخص دوره اوج رنسانس می‌باشد که آثار متأخرش سرمشق منریست‌ها شد. آثار میکل‌آنژ در بین آثار دیگر نقاشان رنسانس، پرشور و پرحرارت بودند اما نورپردازی در آثار او منتشر بود (نور در کل کادر یکسان بود) و کیاروسکوری (عناصر روشن، زمینه تیره) نبود. پیتر پل روبنس نقاش فلاندری عصر باروک است. مهم‌ترین ویژگی‌های آثار روبنس که در دیگر آثار باروک نیز می‌توان یافت، توجه به نورپردازی کیاروسکوری، توجه به حرکت و جنب‌وجوش و توجه به زندگی واقعی (نوعی واقع‌گرایی) است که هر سه در تصویر داده شده مشاهده می‌شود. بنابراین پاسخ صحیح «گزینه‌ی ۲» می‌باشد.

**184** (مبانی طراحی گرافیک: صفحه‌آرایی): برای پاسخ‌دهی به این سوال ابتدا باید شناخت کافی از سبک‌ها داشت. بنیان طرح چنین سوال‌هایی (تطبیق آثار گرافیکی با جنبش‌های هنری-فکری) این است که هر جنبشی، معیارهایی بصری ارائه کرده است. برای پاسخ‌دهی به این سوال باید این معیارها را شناخت. رئالیسم دو جنبه‌ی متفاوت دارد: توجه به شبیه‌پردازی (طبیعت‌پردازی) و توجه به واقعیت (واقع‌گرایی). فتورئالیسم تصاویری است که با دقت عکس‌پردازانه کار شده‌اند. سوررئالیسم مربوط به تصاویری است که واقعیت را دست‌کاری می‌کنند و تغییری خارق‌العاده (خرق عادت) در واقعیت به‌وجود آورده‌اند. مانند قطاری که به دل دیوار فرو می‌رود. مینیمالیسم هنر کمینه‌گرایی است. خلوت بودن، کم بودن عناصر و... . تصویر داده شده از بین گزینه‌ها با استناد به نوشته‌های محدود و کم و اختصاص بخش

زیادی از صفحه به تصاویر ریزنقش به مینی‌مالیسم یعنی «گزینه‌ی ۲» نزدیک‌تر است. اما فوتوریسم پاسخ صحیح‌تری به این سوال است که در بین گزینه‌ها نیست.

**185** (عناصر و کیفیات بصری): لوگوتایپ داده شده متشکل از واژه‌ی آزاد (احتمالاً) و کادر مربعی است که گویی واژه از میان کادر مربع به بیرون فرار می‌کند. با این توصیف، گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. اما از نظر بصری، حروف واژه ریتمی متناوب دارند و نحوه‌ی اجرای کل نشانه (خط بافت‌داری که کادر مربع را می‌سازد و تاش‌های قلمی که حروف را ساخته‌اند) اکسپرسیو هستند که از این طریق گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است.

**186** (عناصر و کیفیات بصری): خطوط ریتمیک روی بدن حیوان گربه‌سان بافتی منتشر در کل کادر اثر تشکیل داده‌اند. این بافت حرکتی بصری نیز القا می‌کند. حرکت کادر به دلیل وجود بافت است، پس می‌توان گفت بافت یعنی «گزینه‌ی 4» نقطه‌ی قوت تصویر است.

**187** (مبانی طراحی گرافیک: آرم و نشانه): نشانه‌ی داده شده به‌طور کامل خوانده نمی‌شود؛ اما چیزی که به سادگی می‌توان یافت واژه‌ی «تن» و فرم پاپیونی است که با دو مثلث مقابل هم شکل گرفته است و از این راه می‌توان فهمید نشانه برای تولیدی یا فروشگاه لباس و پوشاک است. قرینه در بی‌قرینگی در تصویر به سادگی پیداست. تشخیص پاپیون نیز نشان از وجود نماد تصویری است و به‌وجود آمدن پاپیون از دو مثلث ساده، نشان از انتزاع‌گری در طراحی نشانه است. استحالته که به‌معنای تغییر و دفرمه در فرم است، در طرح دیده نمی‌شود و «گزینه‌ی ۴» پاسخ صحیح است.



**188** (مبانی طراحی گرافیک: خط در گرافیک): تصویر داده شده مربوط به تایپوگرافی عبارت «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» می‌باشد اما بصورت آینه‌ای قرار داده شده. این آینه‌ای کردن عبارت نشان از این دارد که نوشته و مفهوم آن مد نظر طراح سوال نیست و نیازی به رمزگشایی نوشته نیست. تایپوگرافی داده شده از دو بخش کلی تشکیل شده است: سه عنصر سیاه بزرگ، و عناصر کوچک‌تر به رنگ زمینه در دل عناصر بزرگ. گویی عناصر کوچک از عناصر بزرگ حذف شده‌اند و در فضای منفی به‌وجود آمده شاهد نوشته‌ها هستیم. به این ترتیب فضای منفی نقش مهمی در اجرای این تایپوگرافی دارد و «گزینه‌ی ۴» پاسخ صحیح است.



**189** (هندسه نقوش): نقوش داده شده از کتاب هندسه‌ی نقوش هنرستان می‌باشد. نکته‌ی انحرافی در طرح این سوال گزینه‌ی ۳ می‌باشد که شبیه فایق کاغذی است اما در واقع این نقش برگرفته از پرنده‌ی ابابیل هست. برای پاسخگویی به این سوال باید اسم نقوش را حفظ کرد و راه دیگری وجود ندارد؛ پاسخ صحیح «گزینه‌ی ۲» می‌باشد که برگرفته از فرم برگ چناری می‌باشد.

**190** (مبانی طراحی گرافیک: آرم و نشانه):

**191** (شناخت ابزار و تکنیک): معیار طرح سوال، روحی و جسمی بودن رنگ‌ها است که بین گزینه‌ها آبرنگ تنها ابزاری است که نمی‌توان به‌صورت جسمی استفاده کرد. گواش به دو شیوه‌ی رقیق (روحی) و غلیظ (جسمی) می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد و نحوه‌ی استفاده از آن در هر شیوه با دیگری متفاوت است. در شیوه‌ی رقیق مشابه آبرنگ و در شیوه‌ی غلیظ مشابه اکریلیک است.

**192** (سایر مباحث: خوشنویسی): پاسخ دادن به این سوال لازمه‌ی پیش‌فرضی ذهنی است مبنی بر این که نتیجه‌ی هنر دیجیتال، طرحی خشک، هندسی و عاری از نرمی و لطافت است. با این پیش‌فرض می‌توان به مشابهت بین هنر دیجیتال و کوفی بنایی رسید. اما به‌نظر می‌رسد برای تأیید این پیش‌فرض منبع قابل اعتنایی نمی‌توان پیدا کرد.

**193** (سایر مباحث: تصویرسازی): تصویر داده از تصویرسازی‌های مرتضی ممیز برای داستان‌های شاهنامه می‌باشد. به سادگی می‌توان رستم و دیو را شناخت و به حماسی بودن مضمون تصویر پی برد. پس «گزینه ۱» پاسخ صحیح است.

**194** (سایر مباحث: تاریخ تصویرسازی): این سوال درباره‌ی تاریخ تصویرسازی برای کودکان است. این موضوعی است که نه در کتاب‌های درسی به آن اشاره‌ای شده نه در دیگر منابع معرفی شده برای کنکور هنر. این چیزی است که تنها در مقالات تخصصی می‌توان به دنبالش گشت. از این گذشته، این سوال تاریخ هنری، اگر در بین سوالات درک عمومی هنر بود، منطقی‌تر بود تا سوالات خلاقیت تصویری. از سال ۱۳۰۷ شمسی، فعالیت مطبوعاتی ویژه‌ی کودکان در ایران آغاز شد. مجله‌ی «سه فندق» اولین مجله‌ای بود که برای کودکان در ایران به چاپ رسید. تصاویر داخل صفحات و روی جلد این مجله تقلیدی از مجلات غربی آن زمان بود. پس از گذشت ۹ سال از انتشار مجله‌ی سه فندق، مجله‌ی «خواندنی‌های کودکان» به همت «علینقی وزیری» به چاپ رسید که مجموعه‌ای از داستان، نمایشنامه، شعر و نت موسیقی بود و از نظر شکل و فرم مشابه مجله سه فندق منتشر می‌شد. مجلات کودکانه‌ای که تا سال ۱۳۲۳ به چاپ می‌رسیدند موفقیت چندانی نداشتند و به علل مختلف تعطیل می‌شدند. در سال ۱۳۲۳ اولین تلاش‌های نسبتاً موفق در نشر مجله برای کودکان در ایران انجام گرفت و مجله‌ای با نام «بازی کودکان» منتشر شد. در سال ۱۳۲۷ وزارت فرهنگ، اولین مجله‌ی ویژه‌ی کودکان را به چاپ رسانید که نام آن «مجله‌ی دانش‌آموز» بود. قطع آن رحلی و مطالب آموزشی و سرگرم‌کننده داشت. تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز مربوط به سال ۱۳۴۵ می‌باشد. پس پاسخ صحیح «گزینه ۲» می‌باشد.

**195** (شناخت آثار و هنرمندان): منبع این سوال دایره‌المعارف هنر می‌باشد. مجسمه‌ی داده شده با عنوان مریم مجدلیه از آثار متأخر دناتلو است. دناتلو مجسمه‌ساز رنسانس آغازین بود. دناتلو الهام زیادی از واقعیت برای مجسمه‌های خود گرفت و به دقت احساساتی همانند رنج، شادی و غم را در چهره و حالات بدنی مجسمه‌های خود نشان داد که تندیس مریم مجدلیه اوج این ویژگی در آثارش می‌باشد که مهم‌ترین ویژگی در آن تأکید بر جنبه‌های عاطفی است. پس پاسخ صحیح «گزینه ۱» می‌باشد.



**196** (مبانی طراحی گرافیک: پوستر): پوستر داده شده مربوط به هشتمین فستیوال جهانی فیلم فرانسیسکو (۱۹۶۴) می‌باشد. گزینه ۲ به دلیل جدی بودن پوستر رد می‌شود. همچنین عنصری در پوستر نیست که انتقال دهنده‌ی مفهوم آموزش باشد، پس گزینه ۳ نیز رد می‌شود. از بین گزینه ۱ و ۴ با استناد به نوشته‌های روی طرح (نوشته‌های کوچک با سایز کم) می‌توان فهمید که طرح جلد نیست و پوستر می‌باشد. در طراحی جلد کتاب، عنوان کتاب مهم و مورد تأکید است. اما در پوستر می‌توان به جای تأکید بر نوشته، با تأکید بر تصویر به انتقال مفهوم پرداخت. بنابراین پاسخ صحیح «گزینه ۴» می‌باشد.



**197** (عناصر و کیفیات بصری): تصویر داده شده از عکس‌های شاخص واکر اوانز می‌باشد. اوانز عکاس دوران رکود آمریکا است و زندگی روزمره‌ی مردم در دوران رکود آمریکا غالب آثارش را تشکیل داده‌اند و همین امر نوعی بیان عاطفی در بطن آثارش گنجانده است. آثارش آینه‌ای از درد و رنج مردم کشورش هستند. در این عکس نگاه مستقیم سوژه به مخاطب و تأکید بر این نگاه از طریق ترکیب‌بندی قرینه به بیان عاطفی عکس افزوده است. پس «گزینه ۴» پاسخ صحیح است.

**198** (سیک‌شناسی): بدون توجه به تصویر و روی سوال هم می‌شود به پاسخ صحیح رسید. فوتوریسم مربوط به ایتالیاست نه فرانسه. فوتوریسم مربوط به فرانسه است نه انگلیس. رمانتیسیسم مربوط به انگلیس، آلمان و فرانسه است، نه ایتالیا. بدین ترتیب سه گزینه به‌خودی خود اشتباه هستند و تنها «گزینه ۱» که اکسپرسیونیسم را به آلمان مرتبط دانسته، صحیح است. تصویر داده شده اثر فرانز مارک، نقاش اکسپرسیونیست آلمانی است. حیوانات (به‌خصوص اسب) موضوع اصلی آثار او هستند.

**199** (شناخت آثار و هنرمندان): برای پاسخ‌گویی به این سوال لازم است شاخصه‌های کلی آثار هنرمندان مطرح شده در گزینه‌ها را دانست. پیت موندریان، نقاش نئوپلاستیکی است که آثارش متشکل

از تقسیمات عمودی و افقی کادر با رنگ‌های اصلی است. ویکتور وازارلی شاخص‌ترین هنرمند آپ آرت است که آثارش براساس خطای باصره شکل گرفته‌اند. کالدر نیز مجسمه‌سازی است که مجسمه‌های جنبا می‌ساخت. جاکومتی مجسمه‌ساز سوررئالیستی است که پیکره‌های دراز و باریک‌اندام غالب آثارش را تشکیل داده‌اند و تایپوگرافی داده شده از لحاظ دراز بودن مشابه پیکره‌های جاکومتی است. پس «گزینه‌ی ۲» پاسخ صحیح است.

**200** (مبانی طراحی گرافیک): این سوال، سوال دشوار و چالش‌برانگیزی است. نه کنتراست تاریکی-روشنی دیده می‌شود (فرمی ضدنور و سایه‌نما هست که تنها از یک رنگ مشکی تشکیل شده است). نه مفاهیم سنتی و مدرن قابل تشخیص است. نه حجمی کاذب در قالب فرم سنتی (!).

